

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

العباسی اندیشه‌ها و شخصیت

آیت‌الله مهدوی کنی (رحمۃ اللہ علیہ)

تألیف:

دکتر حسن مجیدی و همکاران

نویسندگان:

دکتر اصغر افتخاری، دکتر مصطفی آقاجانی، دکتر ناصر جمالزاده،
دکتر جبّار شجاعی، دکتر محمدرضا داوودی، دکتر حسن مجیدی،
دکتر میلاد موحدیان، دکتر مهدی نادری



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: ابعاد سیاسی اندیشه‌ها و شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)

مؤلف: دکتر حسن مجیدی و همکاران

به اهتمام: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه‌آرا: رضا عبداللهی بجندی

طراح جلد: محمد حسین بصیری

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۵ / قیمت: ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۶-۶

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳

تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳ تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: مجیدی، حسن، ۱۳۵۰-

عنوان و نام پدیدآور: ابعاد سیاسی اندیشه‌ها و شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) /

تألیف حسن مجیدی و همکاران.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۵.

مشخصات ظاهری: ۳۳۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۶-۶

موضوع: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۱۰ - ۱۳۹۳.

موضوع: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۱۰ - ۱۳۹۳ -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی

موضوع: روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده‌بندی کنگره: DSR1۵۳۳/۵

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۸۹۰۲۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی،

انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر	۱۷
مقدمه	۱۹
فصل اول: ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / میلاد موحدیان	۲۹
فصل دوم: مؤلفه‌های گفتمان سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / حسن مجیدی	۶۹
فصل سوم: امر سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / مهدی نادری	۱۲۵
فصل چهارم: عقلانیت سیاسی در نظر و عمل آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / میلاد موحدیان و اصغر افتخاری	۱۵۷
فصل پنجم: تحزب، تشکل و انتخابات در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / مصطفی آقاجانی	۲۰۱
فصل ششم: اهداف حکمرانی از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / محمدرضا داوودی و ناصر جمالزاده	۲۳۹
فصل هفتم: حکمرانی خوب در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / جبار شجاعی	۲۸۱
نتیجه‌گیری	۳۱۱
نمایه	۳۱۹

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۱۷
مقدمه	۱۹
فصل اول: ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / میلاد موحدیان	۲۹
چکیده	۲۹
مقدمه	۳۰
۱. امام جماعت مسجد جلیلی (اواخر ۱۳۴۰ تا بهمن ۱۳۵۷)	۳۱
۲. عضو شورای انقلاب (آبان ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۹)	۳۴
۳. سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی (اسفند ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۲)	۳۶
۴. وزیر کشور (تیر ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۶۰)	۳۹
۵. فقیه شورای نگهبان (اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ و اسفند ۱۳۶۰ تا تیر ۱۳۶۲)	۴۱
۶. نماینده امام در هیئت سه نفره حل اختلاف (فروردین تا خرداد ۱۳۶۰)	۴۴
۷. نخست‌وزیر (شهریور تا آبان ۱۳۶۰)	۴۵
۸. دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران (آبان ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۳ به جز چند ماه در ۱۳۷۵) ..	۴۹
۹. عضو ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی (دی ۱۳۶۰ تا آذر ۱۳۷۵) ..	۵۲
۱۰. رئیس دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (۱۳۶۱ تا مهر ۱۳۹۳)	۵۳
۱۱. امام جمعه موقت تهران (اسفند ۱۳۶۱ تا آبان ۱۳۷۸)	۵۶
۱۲. سرپرست ستاد پشتیبانی و امداد امام در جنگ شهرها (مهر ۱۳۶۲ تا تیر ۱۳۶۷)	۵۷
۱۳. تولیت مدرسه علمیه مروی (شهریور ۱۳۶۳ تا مهر ۱۳۹۳)	۵۸
۱۴. عضو شورای بازنگری قانون اساسی (اردیبهشت ۱۳۶۸ تا تیر ۱۳۶۸)	۶۰
۱۵. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (مهر ۱۳۶۸ تا اسفند ۱۳۸۰)	۶۱
۱۶. رئیس مجلس خبرگان رهبری (اسفند ۱۳۸۹ تا مهر ۱۳۹۳)	۶۲
جمع‌بندی	۶۵
منابع	۶۶

فصل دوم: مؤلفه‌های گفتمان سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (ره) / حسن مجیدی	۶۹
چکیده	۶۹
مقدمه	۷۰
۱. پیشینه تحقیق	۷۳
۱-۱. پیشینه تحقیقات در حوزه فقهات و روحانیت	۷۳
۲-۱. تحقیقات اندیشه سیاسی	۷۶
۳-۱. پیشینه درباره اخلاق و تربیت سیاسی	۷۷
۴-۱. پیشینه تحقیقات در حوزه امنیت	۸۰
۵-۱. تحقیقات حوزه عدالت	۸۲
۶-۱. تحقیقات حوزه روان‌شناسی و مدیریتی	۸۳
۲. روش: تحلیل گفتمان	۸۵
۱-۲. تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه	۸۵
۲-۲. مفاهیم اصلی تحلیل گفتمان	۸۶
۳. مبانی نظری	۸۸
۱-۳. از اسلام سیاسی تا اسلام فقهاتی	۸۸
۲-۳. اسلام سیاسی فقهاتی	۹۰
۳-۳. آیت‌الله مهدوی کنی و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی	۹۳
۴. بنیادهای فکری و انسان‌شناسی گفتمان آیت‌الله مهدوی کنی (ره)	۹۴
۵. مبنای معرفتی و هستی‌شناختی	۹۵
۶. گفتمان آیت‌الله مهدوی کنی (ره) در میانه چالش سنت و تجدد	۹۶
۷. ولایت فقیه دال مرکزی گفتمان سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (ره)	۹۹
۸. دال‌های مفصل‌بندی شده با ولایت فقیه	۱۰۲
۱-۸. دین‌سالاری مردمی در مقابل مردم‌سالاری دینی	۱۰۲
۲-۸. شریعت مقدم بر قانون	۱۰۳
۳-۸. سیاست اخلاقی در برابر اخلاق سیاسی	۱۰۴
۴-۸. مسئولیت مقدم بر آزادی؛ آزادی مقید (آزادی در چهارچوب شریعت)	۱۰۵
۵-۸. سیاستمدار مطلوب: ترکیب فقیه - مدیر - اخلاق‌گرا - ولایت‌مدار	۱۰۶
۶-۸. امنیت اخلاقی؛ پایه ابعاد امنیت: پیش شرط تحقق گفتمان	۱۰۶

۱۰۷.....	۷-۸. عدالت به مثابه قسط.....
۱۰۸.....	۸-۸. سیاست خارجی شریعت‌گرای عدالت‌خواه.....
۱۰۹.....	۹-۸. عقلانیت: ابزار هدفمند.....
۱۱۰.....	۹. غیریت و خصومت.....
۱۱۴.....	۱۰. زنجیره هم‌ارزی و تفاوت.....
۱۱۶.....	جمع‌بندی.....
۱۱۹.....	منابع.....
۱۲۵.....	فصل سوم: امر سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / مهدی نادری.....
۱۲۵.....	چکیده.....
۱۲۶.....	مقدمه.....
۱۲۷.....	۱. ادبیات نظری.....
۱۲۷.....	۱-۱. ماهیت امر سیاسی.....
۱۳۰.....	۲-۱. منطق نظری پژوهش.....
۱۳۲.....	۲. ابعاد امر سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی.....
۱۳۲.....	۱-۲. حاکمیت سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی.....
۱۳۲.....	۱-۱-۲. هم‌روی امر شرعی و امر سیاسی.....
۱۳۳.....	۲-۱-۲. دین عنصر مشروعیت بخش نظام سیاسی.....
۱۳۴.....	۳-۱-۲. ولایت فقیه به مثابه اقتدار مشروع.....
۱۳۶.....	۴-۱-۲. دین‌سالاری مردمی.....
۱۳۸.....	۲-۲. تصمیم‌سازی و قانون‌گرایی.....
۱۴۱.....	۳-۲. تعارض و دشمنی.....
۱۴۴.....	۴-۲. کنش جمعی.....
۱۴۴.....	۱-۴-۲. اخلاق سیاسی.....
۱۴۶.....	۲-۴-۲. وحدت اسلامی و انسجام ملی.....
۱۴۸.....	۵-۲. حوزه عمومی.....
۱۵۱.....	جمع‌بندی.....
۱۵۳.....	منابع.....

فصل چهارم: عقلانیت سیاسی در نظر و عمل آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / میلاد موحدیان و اصغر افتخاری	۱۵۷
چکیده	۱۵۷
مقدمه	۱۵۸
۱. بنیادهای مفهومی و نظری عقلانیت	۱۶۱
۱-۱. معنای لغوی	۱۶۱
۲-۱. معنای اصطلاحی	۱۶۱
۱-۲-۱. رویکرد غربی	۱۶۱
۲-۲-۱. رویکرد اسلامی	۱۶۲
۲. مبانی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی	۱۶۷
۱-۲. مبانی معرفت‌شناسی عقلانیت سیاسی	۱۶۸
۲-۲. مبانی هستی‌شناسانه عقلانیت سیاسی	۱۶۹
۲-۳. مبانی انسان‌شناسانه عقلانیت سیاسی	۱۷۲
۳. ابعاد عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی	۱۷۷
۳-۱. بُعد معرفتی عقلانیت سیاسی	۱۷۷
۳-۲. بُعد اخلاقی عقلانیت سیاسی	۱۷۸
۳-۳. بُعد ابزاری عقلانیت سیاسی	۱۷۹
۴. مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی	۱۸۱
۴-۱. مؤلفه‌های اندیشه‌ای عقلانیت سیاسی	۱۸۲
۴-۲. مؤلفه‌های عملی عقلانیت سیاسی	۱۸۶
نتیجه‌گیری	۱۹۲
منابع	۱۹۷
فصل پنجم: تحزب، تشکل و انتخابات در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / مصطفی آقاجانی	۲۰۱
چکیده	۲۰۱
مقدمه	۲۰۲
۱. روش پژوهش	۲۰۴
۱-۱. فیش برداری از نتایج حاصل از جستجوی کلیدواژه‌ها	۲۰۵

۲۰۸	۲-۱. جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش
۲۰۸	۳-۱. تشکیل شبکه مضامین
۲۰۹	۲. مفاهیم تحقیق از منظر آیت‌الله مهدوی کنی
۲۰۹	۱-۲. تحزب
۲۱۰	۲-۲. تشکل
۲۱۲	۳-۲. انتخابات
۲۱۳	۴. یافته‌های تحقیق
۲۱۴	۱-۴. حزب و تحزب مطلوب از منظر آیت‌الله مهدوی کنی
۲۱۴	۱-۱-۴. ماهیت حزب اسلامی - ایرانی
۲۱۶	۲-۱-۴. چهارچوب فعالیت‌های حزبی
۲۱۸	۳-۱-۴. بافت نیروی انسانی مطلوب
۲۱۹	۴-۱-۴. اهداف مطلوب تشکیلاتی
۲۲۰	۵-۱-۴. کارکردهای تشکل
۲۲۲	۲-۴. انتخابات از منظر آیت‌الله مهدوی کنی
۲۲۲	۱-۲-۴. ماهیت انتخابات ایرانی - اسلامی
۲۲۴	۲-۲-۴. چهارچوب رقابت انتخاباتی
۲۲۶	۳-۲-۴. سازوکار انتخابات مطلوب
۲۲۸	۴-۲-۴. اهداف مطلوب انتخابات
۲۲۹	۵-۲-۴. کارکردهای انتخابات
۲۳۰	۶-۲-۴. شرایط کاندیداهای انتخاباتی
۲۳۲	جمع‌بندی
۲۳۴	منابع
	فصل ششم: اهداف حکمرانی از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) / محمدرضا داوودی و ناصر جمالزاده
۲۳۹	چکیده
۲۴۰	مقدمه
۲۴۱	۱. ادبیات نظری

۲۴۱	۱-۱. حکمرانی
۲۴۳	۲-۱. الگوهای حکمرانی و اهداف آنها
۲۴۳	۱-۲-۱. الگوی حکمرانی سلسله‌مراتبی
۲۴۳	۲-۲-۱. الگوی حکمرانی بازاری
۲۴۴	۳-۲-۱. الگوی حکمرانی شبکه‌ای
۲۴۴	۴-۲-۱. الگوی حکمرانی همبستگی
۲۴۵	۳-۱. روش‌شناسی
۲۶۳	۲. اهداف الگوی حکمرانی سیاسی مستخرج از فرایند تحلیل مضمون
۲۶۴	۱-۲. دین‌محوری اهداف
۲۶۵	۱-۱-۲. به سعادت رساندن بشر: رسالت بنیادین حکمرانی
۲۶۶	۲-۱-۲. فراگیری حق: شرط لازم برای انتخاب آگاهانه
۲۶۶	۳-۱-۲. متعبدکردن جامعه: نهادینه‌سازی عبودیت در ساختار اجتماعی
۲۶۷	۴-۱-۲. رسیدن به خدا: غایت‌شناسی متعالی حکمرانی
۲۶۷	۵-۱-۲. تأمین نیازهای مادی: ابزارسازی از دنیا برای آخرت
۲۶۸	۲-۲. چندمرحله‌ای بودن اهداف
۲۶۹	۱-۲-۲. پلکانی بودن اهداف: ساختار سلسله‌مراتبی غایات
۲۷۰	۲-۲-۲. تدریجی بودن: منطق تکاملی در تحقق اهداف
۲۷۰	۳-۲-۲. توالی اهداف: نظم منطقی در حرکت
۲۷۰	۳-۲. اهداف جمعی و فردی
۲۷۱	۱-۳-۲. اهداف جمعی
۲۷۱	الف) تعالی، تکامل و رشد جامعه
۲۷۲	ب) الگو شدن در دنیا: رسالت تمدن‌ساز حکمرانی اسلامی
۲۷۳	پ) عدالت‌گستری
۲۷۴	ت) ثبات و پیشرفت
۲۷۵	۲-۳-۲. اهداف فرعی
۲۷۶	جمع‌بندی
۲۷۷	منابع

فصل هفتم: حکمرانی خوب در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) / جبار شجاعی.....	۲۸۱
چکیده.....	۲۸۱
مقدمه.....	۲۸۲
۱. چهارچوب نظری - مفهومی.....	۲۸۴
۱-۱. مفاهیم.....	۲۸۴
۱-۱-۱. حکمرانی.....	۲۸۴
۲-۱-۱. حکمرانی خوب.....	۲۸۴
۲. مبانی نظری.....	۲۸۴
۳. مبانی هستی‌شناسانه در جامعه مطلوب آیت‌الله مهدوی کنی.....	۲۸۶
۳-۱. انسان.....	۲۸۶
۳-۲. دنیا.....	۲۸۶
۳-۳. غایت.....	۲۸۷
۳-۴. جامعه.....	۲۸۷
۴. تصویر حکمرانی خوب در منظومه نگرشی - کنشی آیت‌الله مهدوی کنی.....	۲۸۸
۴-۱. قانون‌مندی (به‌مثابه سرچشمه تحقق عدالت).....	۲۸۹
۴-۲. مسئولیت‌پذیری (راهی برای سعادت فرد و جامعه).....	۲۹۰
۴-۳. کارآمدی سیاست‌ها (اثرگذاری گسترده و پایدار).....	۲۹۲
۴-۴. محوریت دین (فلسفه حکومت اسلامی).....	۲۹۴
۴-۵. ولایت‌مداری (معیاری برای اصالت سیاست‌ها و عدم انحراف).....	۲۹۶
۴-۶. آخرت‌گرایی (مسیری برای تحقق آرامش سیاسی).....	۲۹۷
۴-۷. محوریت گفتمان انقلاب اسلامی «ایران» (الگویی از کاربست مبانی و اصول حکومت اسلامی).....	۲۹۸
۴-۸. آینده‌نگری (بر مبنای سیره امام و رهبری در جهت پایداری اصول انقلاب و تحقق حکومت اسلامی).....	۳۰۰
۴-۹. آزادی (راهی در مسیر تحقق هدف فطری خلقت و مشارکت سیاسی).....	۳۰۱
۴-۱۰. رفق و مدارا (همگرایی سیاسی بر مبنای اصول انقلاب و سیره امام و رهبری).....	۳۰۳
جمع‌بندی.....	۳۰۵
منابع.....	۳۰۸

نتیجه‌گیری ۳۱۱

نمایه ۳۱۹

فهرست جدول‌ها

جدول ۳-۱: مقومات «امر سیاسی» در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۵۱

جدول ۴-۱: مشخصات کتب اصلی مورد ارجاع ۱۵۹

جدول ۴-۲: کدگذاری مصاحبه‌های ماهنامه شاهد یاران ۱۶۰

جدول ۴-۳: کدگذاری مصاحبه‌های آرشیو دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی ۱۶۰

جدول ۴-۴: مبانی معرفت‌شناسی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۶۸

جدول ۴-۵: مبانی هستی‌شناسی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۷۰

جدول ۴-۶: مبانی انسان‌شناسی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۷۳

جدول ۴-۷: بُعد معرفتی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۷۷

جدول ۴-۸: بُعد اخلاقی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۷۸

جدول ۴-۹: ابعاد ابزار عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۸۰

جدول ۴-۱۰: مؤلفه‌های اندیشه‌ای عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۸۲

جدول ۴-۱۱: مؤلفه‌های عملی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی ۱۸۷

جدول ۴-۱۲: مقایسه مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی در نظریات رایج سکولار و اندیشه و عمل سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی ۱۹۳

جدول ۵-۱: راهنمای منابع فیش‌های استخراج شده پیرامون تحزب ۲۰۵

جدول ۵-۲: راهنمای منابع فیش‌های استخراج شده پیرامون انتخابات ۲۰۷

جدول ۵-۳: نتیجه جستجو کلیدواژه‌های منتخب جهت بررسی موضوع پژوهش ۲۰۸

جدول ۵-۴: مهم‌ترین ابعاد هویتی حزب مورد نظر آیت‌الله مهدوی کنی به صورت مختصر ... ۲۱۵

جدول ۵-۵: اهم مضامین چهارچوب‌های فعالیت حزبی ۲۱۷

جدول ۵-۶: مضامین پایه مضمون سازمان‌دهنده بافت نیروی انسانی حزب ۲۱۹

جدول ۵-۷: مضامین اهداف مطلوب تشکیلاتی ۲۲۰

جدول ۵-۸: مضامین مربوط به کارکردهای تشکل ۲۲۱

جدول ۵-۹: مضامین مربوط به ماهیت و ابعاد انتخابات ۲۲۴

جدول ۱۰-۵: مضامین مربوط به چهارچوب و اصول رقابت انتخاباتی.....	۲۲۶
جدول ۱۱-۵: مضامین مربوط به سازوکار انتخابات مطلوب.....	۲۲۸
جدول ۱۲-۵: مضامین مربوط به اهداف انتخابات.....	۲۲۹
جدول ۱۳-۵: مضامین مربوط به کارکردهای انتخابات.....	۲۲۹
جدول ۱۴-۵: مضامین مربوط شاخص های نامزد مطلوب انتخاباتی.....	۲۳۱
جدول ۱-۶: دسته بندی اهداف غایی الگوی رایج حکمرانی.....	۲۴۵
جدول ۲-۶: تحلیل مضمون و کدگذاری داده ها.....	۲۴۷
جدول ۳-۶: مفهوم سازی.....	۲۶۲

فهرست شکل ها

شکل ۱-۲: رابطه میان دال ها در گفتمان سیاسی آیت الله مهدوی کنی.....	۱۱۶
شکل ۲-۲: مؤلفه های گفتمان اندیشه سیاسی آیت الله مهدوی کنی.....	۱۱۸
شکل ۱-۳: شاکله ادراک امر سیاسی در دیدگاه آیت الله مهدوی کنی.....	۱۳۲
شکل ۱-۴: مفاهیم نظری عقلانیت سیاسی و الگو.....	۱۶۵
شکل ۲-۴: مؤلفه های عقلانیت سیاسی در دیدگاه های رایج.....	۱۶۷
شکل ۳-۴: مبانی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت الله مهدوی کنی.....	۱۷۶
شکل ۴-۴: ابعاد عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت الله مهدوی کنی.....	۱۸۰
شکل ۵-۴: مؤلفه های عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت الله مهدوی کنی.....	۱۹۱
شکل ۱-۵: تمایز حزب غربی و تشکل مطلوب نزد آیت الله مهدوی کنی.....	۲۱۱
شکل ۱-۶: مراحل تحلیل مضمون.....	۲۴۷
شکل ۲-۶: مفهوم دین محوری و مضامین زیرمجموعه.....	۲۶۵
شکل ۳-۶: مفهوم چند مرحله ای بودن اهداف زیرمجموعه.....	۲۶۸
شکل ۴-۶: اهداف جمعی و اهداف فرعی.....	۲۷۱

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۶: درصد پراکندگی مفاهیم ذیل مقوله هدف.....	۲۶۳
---	-----

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

در میان شخصیت‌های تأثیرگذار در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی و استقرار و تداوم حیات جمهوری اسلامی؛ کم نیستند شخصیت‌هایی که با وام‌گیری از میراث ارزشمند سنت اسلامی؛ با درکی نو از شرایط زمانه در سیاست و جامعه ایران؛ تأثیری ماندگار بر جا گذاشتند. در بین شخصیت‌های تأثیرگذار و رده نخست پرورش یافتگان مکتب امام خمینی (ره)؛ آیت‌الله مهدوی کنی (ره) نمونه‌ای درخور توجه است.

آیت‌الله مهدوی کنی (۱۳۱۰-۱۳۹۳ شمسی)، متولد منطقه کن در حومه تهران از خانواده‌ای کشاورز و باغدار، به مدت ۱۴ سال در حوزه علمیه قم تحصیل کرده به واسطه حضور مستمر در تمامی عرصه‌های حیاتی پس از انقلاب، از شورای انقلاب تا ریاست مجلس خبرگان رهبری، نمونه‌ای برجسته از یک استراتژیست سیاسی با مبانی اخلاقی استوار محسوب می‌شود. کتاب حاضر با هدف معرفی ابعاد سیاسی از شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) با قلم شماری از دانش پژوهان سیاست گرد هم آمده که هر یک از این نویسندگان؛ گوشه‌ای از اندیشه و عمل و کنش سیاسی ایشان را کاویده‌اند. این مجموعه مقالات اگرچه نمی‌تواند همه ابعاد حیات پربرکت آیت‌الله مهدوی کنی را بازنمایی کند؛ اما در عین حال می‌تواند تصویری از حیات سیاسی ایشان با محوریت فکر و اندیشه سیاسی به مخاطب ارائه دهد. اگر به عنوان مقدمه بر برخی از وجوه شخصیتی ایشان تمرکز کنیم شاید بتوان بر چند نکته تأکید بیشتری داشت. نکته نخست اینکه ایشان یک فقیه آگاه و عالم روشن بین و فرزند حوزه علمیه بود که با آشنایی با دانشگاهیان در طول مبارزات دهه ۴۰ و ۵۰ همراه با شخصیت‌هایی چون شهید مطهری

و بهشتی به ضرورت تأسیس نهادی علمی که تبلور اتحاد حوزه و دانشگاه باشد؛ رسیده بود و این ایده را در اولین فرصت بعد از انقلاب اسلامی و دوره تعطیلی دانشگاه‌ها، جامه عمل پوشید.

اسلام‌شناسی و زمان آگاهی و مردم‌شناسی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) موجب شد تا در تحولات و نوسانات و با محور قرار دادن جایگاه کلیدی مقام رهبری ولایت امر و امامت امت به نقش آفرینی بپردازد.

یکی از متمایزترین صفات شخصیتی آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام)، توانایی ایشان در مدیریت تعارضات بنیادین بود که در ادبیات تخصصی می‌توان آن را به عنوان «اعتدال فعال» یا «توازن پویا» توصیف کرد. این اعتدال، نه حاصل ضعف یا تردید بلکه معلول عمق فهم ایشان از مبانی معرفتی بود. اینکه بارها از جانب امام راحل مأمور داوری و حل اختلاف حتی میان شخصیت‌های تراز اول نظام شد؛ از این خصلت ایشان ناشی می‌شود ویژگی دیگر را می‌توان جمع بین تقاطع اصول و مصلحت و نیز قاطعیت توأم با اخلاق دانست. در ابتدای انقلاب که برخی افراطیون نسخه‌های نامعقول می‌پیچیدند ایشان با تدبیر و عقلانیت؛ ژرف‌اندیشی و همه‌جانبه‌نگری خود را آشکار کرد؛ اما گاه که اصول و مصلحت‌های بالاتر ممکن بود مورد بازیچه برخی افراد ناآگاه یا افراطی قرار گیرد؛ قاطعانه بر موضع خود می‌ایستاد.

در ادبیات سیاسی، همواره این پرسش مطرح است که یک رهبر دینی-سیاسی چگونه می‌تواند میان «حفظ اصول ثابت دین و انقلاب» و «ملاحظات مصلحتی در مدیریت کلان» تعادل برقرار سازد؟ تحلیل رفتار آیت‌الله مهدوی کنی نشان می‌دهد که چهارچوب ایشان بر اقتناع و حسن نیت و نصیحت و خیرخواهی بود. توانایی اقتناع عقلی همراه با (استدلال منطقی) موجب شد که ایشان در مواجهه با مسائل سیاسی، همواره استدلال‌های خود را در قالب منطق حکومتی و مدیریت کلان ارائه دهند. این ویژگی، توانمندی در بحث و قوت استدلال که شاید میراث بحث‌های طلبگی و مذاقه‌های فکری اصولی و فلسفی ایشان است؛ به دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) میراث بزرگ آیت‌الله مهدوی کنی نیز منتقل شد به نحوی که دانش‌آموختگان این دانشگاه پس از

سال‌ها تجربه بحث و بررسی مباحثات مختلف سیاسی و علمی از توانایی بالایی برای گفتگوهای استدلالی و بحث‌های علمی در عرصه‌های سیاسی و دانشگاهی برخوردار شدند و چه در جلسات کاری یا بحث‌های رسانه‌ای که نیازمند توان بالای اقناعی دارد این توانایی بروز و ظهور می‌یابد. از دیگر ویژگی‌های ایشان سعه صدر و صبر و تحمل ایشان و روحیه پدیری است (که ایشان از روحانیان انتظار داشت) و به نحو کامل در هدایت جریان‌های سیاسی عمدتاً اصول‌گرا و نیز در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در قبال دانشجویان به مثابه فرزندان معنوی ایشان، بازتاب داشت.

جمع میان نظریه و عمل، منجر به ایجاد صفتی رفتاری به نام «قاطعیت منصفانه» شد. ایشان در مقام تشخیص، قاطعیت لازم را در دفاع از خطوط قرمز نظام به کار می‌بردند؛ اما این قاطعیت هیچ‌گاه به حذف یا توجیه غیراخلاقی و دیکتاتوری نمی‌انجامید. این ویژگی روان‌شناختی، او را به یک میانجی مطلوب در ساختارهای متضاد تبدیل کرد. در ادبیات رهبری، این فرد کسی است که می‌تواند شکاف‌های گفتمانی را با اصالت خود پر کند.

آیت‌الله مهدوی کنی به دلیل نقش محوری در تأسیس و مدیریت ساختارهای اصلی نظام، به عنوان یک «عامل اجماع‌ساز ساختاری» شناخته می‌شود. تحلیل این نقش نیازمند بررسی کارکرد ایشان در مجامع کلیدی پس از انقلاب است. نقش مهندسی ساختار و ثبات‌بخشی حضور ایشان در شوراهای اساسی (مانند شورای انقلاب، مجمع تشخیص مصلحت نظام و به‌ویژه مجلس خبرگان رهبری) نشان از اعتبار و اعتماد ساختاری به توانایی مدیریت بحران و وفاداری ایشان دارد. در حوزه امنیت‌سازی به عنوان اولین کارکرد مورد انتظار در دوران بی‌ثباتی و گذار از نظام فروپاشیده قبلی و استقرار نظام جدید جمهوری اسلامی؛ نقش بارز ایشان در کمیته‌های انقلاب اسلامی و وزارت کشور چشمگیر بود. در دهه ۶۰ دوره وزارت کشور ایشان، شاهد یکی از پرچالش‌ترین دوران پس از انقلاب (جنگ و ترورها) بود. رویکرد ایشان در این دوره که بر مدیریت بحران با حفظ چهارچوب‌های قانونی تأکید داشت، نشان داد که ایشان برخلاف برخی، تفکیک بین اقدامات ضروری امنیتی و اصول حکمرانی را درک می‌کرد.

این امر، الگویی از مدیریت «انعطاف‌پذیر در چهارچوب» ارائه داد. تأسیس دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) برای تربیت نخبه فکری و مدیریتی تراز جمهوری اسلامی؛ اهمیت اسلامی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی به‌مثابه سنگ بنای نظام اسلامی و عملی کردن «تقدم تربیت بر تعلیم» را برجسته می‌سازد. چنان‌که ایشان بارها در درس‌های اخلاق خود با استناد بر قرآن بر اولویت تزکیه بر تعلیم، تأکید می‌کردند یعنی آیه دو سوره جمعه که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

براین اساس ایشان منادی الگوی تربیتی آموزشی بودند که هدف نهایی آن، شکل‌دهی به جهان‌بینی و سلوک فردی و اجتماعی (تربیت) مبتنی بر مبانی اسلامی است، به‌گونه‌ای که دانش اکتسابی (علوم تخصصی) در خدمت آن جهان‌بینی قرار گیرد. پرورش‌یافتگان این دانشگاه بازتاب مستقیم اعتقاد آیت‌الله مهدوی کنی به این اصل بوده‌اند که رهبری موفق، نیازمند ترکیبی از دانشمندان (علم) و صالحین (اخلاق) است. ویژگی دیگر شخصیت ایشان الگوی رهبری کاریزماتیک مبتنی بر اصول است. درحالی‌که بسیاری از رهبران کاریزماتیک متکی بر جذابیت فردی صرف هستند، کاریزمای آیت‌الله مهدوی کنی مبتنی بر اصول‌گرایی متوازن بود. ایشان با نشان دادن این امر که می‌توان در اوج قاطعیت، منصف و اعتدال‌گرا بود، باعث پذیرش ایشان از سوی طیف‌های مختلف سیاسی شد و این امر تأیید عملی بر موفقیت ایشان در اقناع عقلی و دلی بوده است. این پیوستگی میان اخلاق، سیاست و تربیت، آیت‌الله مهدوی کنی را به‌عنوان یک مدل رهبری اسلامی-ایرانی معرفی می‌کند که توازن را نه به‌عنوان سازش، بلکه به‌مثابه اوج تکامل راهبردی در نظر می‌گرفت. تحلیل چندبعدی شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی نشان می‌دهد که ایشان یک رهبر تک‌بعدی نبودند بلکه شخصیتی با جامعیت در عمل محسوب می‌شدند که در آن ابعاد مختلف به‌طور هماهنگ با یکدیگر در ارتباط بودند.

تدوین مقالات این کتاب به دلایلی چند دچار تأخیری طولانی شد: نخست، به دلیل

آنکه مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی شخصاً کتاب و نوشته‌ای علمی در باب آراء و دیدگاه‌های سیاسی نداشتند و در زمان رحلت به جز کتاب خاطرات و کتاب نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی و چند کتاب در حوزه تفسیر قرآن؛ منبع قابل استنادی نداشتند؛ بسیاری از آثار گفتاری و سخنرانی‌های ایشان تدوین و منتشر نشده بود؛ بنابراین نویسندگان و محققان برای پژوهش در آثار ایشان در تنگنای شدیدی بودند تا آنکه با همت بیت ایشان و جمعی از دانشجویان و با هدایت و حمایت دفتر نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی به تدریج محتوای بسیاری برای تحقیق درباره ابعاد مختلف حیات سیاسی ایشان به خصوص دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سیاسی فراهم شد. نکته دیگر اینکه تحویل دیر هنگام برخی از مقالات و تغییر چندباره نویسندگان نیز تأخیر را بیشتر کرد. در سفارش و چینش این مجموعه مقالات کوشش شده است هم به فراخور نیاز و علاقه و توان درک مخاطب عام و هم ذائقه و نیاز خواننده فرهیخته در طی مقالاتی چند به معرفی ابعاد سیاسی شخصیت ایشان البته عمدتاً با تأکید بر ابعاد نظری پرداخته شود. مبنای چینش مقالات بر این پایه استوار بوده است که در ابتدا به جای زندگی و زمانه آیت‌الله مهدوی کنی؛ ساحت‌های مختلف شخصیت نظری و عملی آیت‌الله مهدوی پرداخته شد. مقالات بعدی به ابعاد نظری و فکری شخصیت سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی اختصاص دارد. پس از آن در دیگر فصول به تدریج ابعاد عملی‌تر و معطوف به "نقش سیاسی" آیت‌الله مهدوی کنی شناسانده می‌شود.

با این حساب در مقاله نخست که به نحوی مقدمه مبسوط بر کتاب محسوب شده است، دکتر میلاد موحدیان از دانش پژوهان پرکار در عرصه پژوهش و تحقیق در حیات سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی به ساحت‌های مختلف شخصیت ایشان پرداخته است. به نظر وی شانزده نقشی که بیانگر ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی هستند، عبارت‌اند از: امام جماعت مسجد جلیلی (اواخر ۱۳۴۰ تا بهمن ۱۳۵۷)؛ عضو شورای انقلاب (آبان ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۹)؛ سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی (اسفند ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۲)؛ وزیر کشور (تیر ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۶۰)؛ فقیه شورای نگهبان (اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ و اسفند ۱۳۶۰ تا تیر ۱۳۶۲)؛ نماینده امام در هیئت

سه نفره حل اختلاف (فروردین تا خرداد ۱۳۶۰)؛ نخست‌وزیر (شهریور تا آبان ۱۳۶۰)؛ دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران (آبان ۱۳۶۰ تا مهر ۱۳۹۳ به جز چند ماه در ۱۳۷۵)؛ عضو ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی (دی ۱۳۶۰ تا آذر ۱۳۷۵)؛ رئیس دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (اوایل ۱۳۶۱ تا مهر ۱۳۹۳)؛ امام جمعه تهران (اسفند ۱۳۶۱ تا آبان ۱۳۷۸)؛ سرپرست ستاد پشتیبانی و امداد امام در جنگ شهرها (مهر ۱۳۶۲ تا تیر ۱۳۶۷)؛ تولیت مدرسه علمیه مروی (شهریور ۱۳۶۳ تا مهر ۱۳۹۳)؛ عضو شورای بازنگری قانون اساسی (اردیبهشت ۱۳۶۸ تا مرداد ۱۳۶۸)؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (مهر ۱۳۶۸ تا اسفند ۱۳۸۰)، و در نهایت، رئیس مجلس خبرگان رهبری (اسفند ۱۳۸۹ تا مهر ۱۳۹۳).

مقاله دوم به قلم نگارنده کوشیده است با شیب مناسبی نسبت به مقاله اول به تدریج بر عمق اندیشه آیت‌الله مهدوی راه پیدا کند. در ابتدای این فصل کوشش شده است مهم‌ترین آثار و تحقیقات پیشین درباره ابعاد سیاسی شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی به طور تفصیلی شناسانده و معرفی شود تا خواننده هم بر سوابق تحقیقات موجود درباره ایشان آشنا شود و هم با مطالعه این فصل، تصویری کوتاه و مجمل اما نسبتاً گویا نسبت به اندیشه سیاسی ایشان به دست آورد. بنابراین بخش پیشینه تحقیق این فصل عملاً مرور تحقیقات گذشته برای کل کتاب است. در فصل دوم محقق معتقد است؛ گفتمان سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی را می‌توان ذیل اسلام سیاسی فقهاتی بر پایه ولایت فقیه؛ صورت‌بندی کرد که بیش از هر چیز در صدد اسلامی و اخلاقی کردن سیاست است؛ از شریعت اسلامی به عنوان منبع اصلی قانون‌گذاری تا ولایت عامه فقیه؛ از ترجیح سیاست اخلاقی بر اخلاق سیاسی تا اولویت امنیت اخلاقی بر سایر ابعاد امنیت و از تقدم دین‌سالاری بر مردم‌سالاری تا اولویت عدالت به مثابه قسط نسبت به عدالت به مثابه برابری؛ اولویت مسئولیت بر آزادی و اولویت نخبه سیاسی اخلاقی نسبت به نخبه سکولار؛ می‌توان ابعاد و مؤلفه‌های گفتمان سیاسی آیت‌الله مهدوی را ترسیم کرد که بر غیرت‌سازی با برخی مفاهیم و ارزش‌های سکولار و لیبرال و نیز مارکسیستی و سوسیالیستی و البته ارتجاعی تأکید دارد. در فصل سوم دکتر مهدی نادری دانشیار

علوم سیاسی دانشگاه شیراز نوشته است، امر سیاسی در اندیشه آیت الله مهدوی واجد بنیان الهی است و در راستای زمینه‌سازی برای عبودیت الهی و اجرای عدالت تعریف می‌شود. در دیدگاه آیت الله مهدوی پنج محور اساسی به عنوان ارکان شکل دهنده و نظام بخش امر سیاسی قابل شناسایی است:

- ۱- همروی امر شرعی و امر سیاسی در حاکمیت؛
- ۲- تمایز دوست و دشمن بر اساس کنشگری نسبت به گفتمان انقلاب اسلامی؛
- ۳- ضرورت تصمیم‌گیری در شرایط خاص از سوی ولی فقیه؛
- ۴- کنش جمعی اخلاق‌گرا و وحدت‌گرا؛
- ۵- مشارکت در حوزه عمومی به عنوان تکلیف شرعی.

درواقع، امر سیاسی در دیدگاه آیت الله مهدوی مبتنی بر هندسه‌ای است که نه تنها متکی بر نظریه فقه حکومتی، بلکه عمیقاً بر محور اخلاق و وحدت اسلامی بنیان نهاده شده است. فصل چهارم کتاب که برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد موحدیان است به عقلانیت سیاسی در اندیشه آیت الله مهدوی کنی پرداخته است. عقلانی کردن سیاست، یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان علم سیاست در طول تاریخ بوده است. در اندیشه غرب، عقلانیت بیشتر در معنای ابزاری آن به کار بسته شده و در اندیشه اسلامی نیز، تأکید بر شرعی کردن عقلانیت داشته‌اند. در این راستا سؤال اصلی نویسنده در این تحقیق، چیستی الگوی عقلانیت سیاسی از دیدگاه آیت الله مهدوی کنی بوده و در این جهت تلاش کرده تا ابتدا الگوی عقلانیت سیاسی در دیدگاه‌های رایج را فهم کند و سپس به جستجوی پاسخ سؤال اصلی خود، مبتنی بر نظر و عمل آیت الله مهدوی کنی بپردازد. در مقاله پنجم به دو موضوع اساسی در سیاست یعنی انتخابات و تحزب از نگاه آیت الله مهدوی کنی و نقش ایشان در این عرصه اختصاص یافته است. دکتر مصطفی آقاجانی حاصل تحقیقات خود در این عرصه را ارائه کرده و معتقد است آیت الله مهدوی کنی به عنوان یکی از فقهای سیاسی از نقش و جایگاهی ویژه در سپهر جریان‌های سیاسی پس از انقلاب برخوردار است. ایشان با قرار گرفتن در کرسی دبیری جامعه روحانیت مبارز، همکاری نزدیک با سازمان امور مساجد، دانشگاه امام

صادق (علیه‌السلام)، ائمه جمعه و جماعات، وعاظ و روحانیون تهران، ریاست حوزه علمیه مروی و مجلس خبرگان رهبری به چنان وزن سیاسی‌ای دست یافت که گروه‌های مختلف راست در حرکات و تصمیمات خود ناچار از جلب حمایت ایشان و همراهی با تصمیمات و نظراتشان بودند. در پایان، یافته‌ها نشان می‌دهند که الگوی تحزب و انتخابات نزد ایشان با یکدیگر عجین و به عبارتی مکمل یکدیگر هستند. انتخابات و تحزب علاوه بر حرفه‌ای بودن باید از دین، شرع و اخلاق مایه بگیرد و همگی به صورتی تنظیم و تبویب شوند که به جلب بیشترین و عمیق‌ترین (حجت‌مدارترین) همراهی مردمی با نظام اسلامی و ولایت فقیه منجر شود. دو فصل بعدی به نوعی به ابعاد حکمرانی در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی اختصاص دارد. محمدرضا داوودی که مقاله خود را از رساله دکتری با عنوان الگوی حکمرانی در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی به راهنمایی دکتر جمالزاده استخراج کرده به این پرسش پاسخ داده که اهداف حکمرانی سیاسی در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی چیست که دریافت شده است دین‌محوری اهداف، چندمرحله‌ای بودن اهداف، اهداف جمعی و اهداف فردی شکل گرفته و دستاورد نهایی آن، ارائه الگویی جامع از اهداف حکمرانی اسلامی است که نوآوری آن در پیوند دادن مبانی ارزشی دین با ساختارهای مرحله‌ای و عملیاتی حکمرانی، و تعریف هم‌زمان مأموریت‌های تربیتی فردی و سازندگی اجتماعی در چهارچوبی منسجم است. این مدل، ترکیبی از غایت‌مداری معنوی و کارآمدی اجرایی را ارائه می‌دهد که قابلیت به کارگیری در سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای کلان نظام اسلامی را دارد.

این مقاله بنیاد فصل پایانی است که به انطباق نظریه حکمرانی خوب بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی پرداخته است. دکتر شجاعی در این مقاله نشان می‌دهد که آیت‌الله مهدوی کنی حکمرانی خوب را در چهارچوب ولایتمداری تعریف کرده و بر این باور بودند که در صورت پویایی گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی، مسئولیت‌پذیری مردم و مسئولان، آینده‌نگری حکمرانان و توده مردم و مدارای سیاسی مردم و مسئولان نسبت به هم در کنار آزادی عمل هدایت‌شده مردم، می‌توان سخن از حکمرانی خوب گفت.

در پایان این نوشتار لازم می‌دانم از نویسندگان مقالات این کتاب تقدیر و تشکر کنم؛ البته برخی مقالات برگرفته از رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشجویان بوده که البته نام استادان معزز راهنما نیز براساس دستورالعمل‌های نشر در ذیل مقالات درج شده که از زحمات و راهنمایی‌های این استادان معظم نیز تقدیر و تشکر می‌کنم. امید است حاصل تلاش آنان در ثبت و حفظ و شناسایی میراث ارزشمند آیت‌الله مهدوی کنی در ادای دین نسبت به این شخصیت کم‌نظیر و شناسایی بخشی از فرهنگ و گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی به علاقه‌مندان سودمند افتد.

از مسئولان حال و گذشته دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله مهدوی کنی به خصوص جناب حجت‌الاسلام آقای اسلامی و نیز کارشناس این دفتر، آقای وکیلی که با صبوری و حوصله برای به ثمر نشستن این اثر مساعدت و همراهی کردند و نیز نماینده بیت و یادگار آیت‌الله مهدوی کنی، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر سعید مهدوی کنی ریاست اسبق دانشگاه و عضو محترم هیأت امنای جامعه الصادق (علیه السلام) که ضمن مطالعه و بازبینی و نظارت تیزبینانه؛ نکات و ارشادهای ارزشمندی ارائه کردند؛ از ناظر این طرح استاد گرامی جناب آقای دکتر ناصر جمالزاده که با دقت و توجه ضمن مطالعه کتاب نکات اصلاحی دقیقی یادآور شدند که اعمال اصلاحات این بزرگواران بی‌شک به قوت و غنای کتاب افزود؛ از معاون محترم پژوهشی دانشکده و دانشگاه در حال و گذشته و همکاران پرتلاش معاونت پژوهش به خصوص جناب آقای رضا دیبا مدیر محترم نشر و آقای رضا عبداللہی بجنندی که در آماده‌سازی و تنظیم و نشر اثر قبول زحمت کردند؛ متشکرم. با سپاس از درگاه احدیت که همه توفیق‌ها از درگاه الهی است این کتاب را به استاد فقید و معلم اخلاق سیاستمدار صادق مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام) تقدیم می‌کنم.

حسن مجیدی

دی‌ماه ۱۴۰۴

فصل اول:



ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله)

میلاد موحدیان

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

چکیده

آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله) از جمله شخصیت‌های بارز دوران انقلاب و جمهوری اسلامی است که از یاران امام راحل و یاور جانشین و رهبر کنونی انقلاب اسلامی شمرده می‌شوند. ایشان در مقام یک شخصیت روحانی با دانش فقهی و حکمت‌صدرايي در مقاطع مختلف ایفاگر نقش‌های برجسته و مهمی شد، چنان‌که می‌توان گفت ایشان از روحانیان و عالمان برجسته‌ای بود که مانند بسیاری از رهبران انقلاب با کوله‌باری از دانش فقهی و حکمت به کار هدایت فکری و اخلاقی مردم در مسجد جلیلی تهران پرداخت و ترویج و تقویت خط انقلاب سال‌های سخت زندان و تبعید را برای ایشان رقم زد؛ اما هیچ‌گاه راه مبارزه را ترک نکرد و میراث فقهی مکتب امام و آیت‌الله بروجردی و میراث اخلاقی امام و آیت‌الله برهان؛ آیت‌الله مهدوی کنی را به عنوان فقیهی شناسانده که استادی اخلاق را تا پایان عمر حفظ کرد. این مقاله به شیوه تحلیل توصیفی و با روش اسنادی به معرفی ابعاد مختلف شخصیت آیت‌الله مهدوی کنی که نویسنده آنها را در ۱۳ مسئولیت با ترتیب زمانی نقش‌ها و مسئولیت‌های آیت‌الله مهدوی کنی. دسته‌بندی کرده است.

کلمات کلیدی: آیت‌الله مهدوی کنی، ساحت‌های فقهی، مسئولیت‌های سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مقدمه

مطالعه ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی، به‌عنوان یکی از شاگردان و یاران مرحوم امام خمینی (علیه‌السلام) و مبارزان پیشگام انقلابی و همچنین مسئول مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد مرتبط با روحانیون سراسر کشور با نام جامعه روحانیت مبارز و به‌عنوان شخصی که از سوی امام به‌عنوان فقیه تراز اول تهران به عضویت شورای نگهبان و سپس تولیت حوزه مروی برگزیده شد و شخصیتی که در کنار وزنه علمی و فقهاتی و جایگاه حوزوی خود، مسئولیت‌های سیاسی و حکومتی تراز اولی همچون سرپرستی کمیته‌های انقلاب اسلامی، وزارت کشور و در دوره‌ای نخست‌وزیری و بعدها ریاست مجلس خبرگان رهبری را نیز بر عهده داشته است، برای علاقه‌مندان به حوزه سیاست و حکومت در ایران، حائز اهمیت است.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا نقش‌های سیاسی - اجتماعی که آیت‌الله مهدوی کنی در طول سال‌های حیات خود در نهادهای مختلف حاکمیتی و غیرحاکمیتی پذیرفته، احصاء، و بستر تاریخی آن نقش‌ها و کیفیت حضور آیت‌الله مهدوی کنی در آن، تبیین گردد تا به‌صورت اجمالی، ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی ایشان، به‌صورت تحلیلی، مرور شود. لازم به ذکر است که ترتیب آمدن نقش‌ها، بر اساس تاریخ شروع فعالیت آیت‌الله مهدوی کنی در آن‌هاست و تلاش خواهد شد در ذیل هر یک از این نقش‌ها، تبیینی از آن نقش و بستر زمانی و مکانی آن، و سپس کمیت و کیفیت حضور آیت‌الله مهدوی کنی در آن نقش، در حدی که مورد نیاز این پژوهش است، انجام گیرد.

شانزده نقشی که بیانگر ساحت‌های مختلف سیاست‌ورزی آیت‌الله مهدوی کنی هستند، عبارت‌اند از: امام جماعت مسجد جلیلی (اواخر ۱۳۴۰ تا بهمن ۱۳۵۷)؛ عضو شورای انقلاب (آبان ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۹)؛ سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی (اسفند ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۲)؛ وزیر کشور (تیر ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۶۰)؛ فقیه شورای نگهبان (اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ و اسفند ۱۳۶۰ تا تیر ۱۳۶۲)؛ نماینده امام در هیئت سه نفره حل اختلاف (فروردین تا خرداد ۱۳۶۰)؛ نخست‌وزیر (شهریور تا آبان ۱۳۶۰)؛ دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران (آبان ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۳ به جز چند ماه در ۱۳۷۵)؛ عضو ستاد

انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی (دی ۱۳۶۰ تا آذر ۱۳۷۵)؛ رئیس دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (اوایل ۱۳۶۱ تا مهر ۱۳۹۳)؛ امام جمعه تهران (اسفند ۱۳۶۱ تا آبان ۱۳۷۸)؛ سرپرست ستاد پشتیبانی و امداد امام در جنگ شهرها (مهر ۱۳۶۲ تا تیر ۱۳۶۷)؛ تولیت مدرسه علمیه مروی (شهریور ۱۳۶۳ تا مهر ۱۳۹۳)؛ عضو شورای بازنگری قانون اساسی (اردیبهشت ۱۳۶۸ تا مرداد ۱۳۶۸)؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام (مهر ۱۳۶۸ تا اسفند ۱۳۸۰)، و درنهایت، رئیس مجلس خبرگان رهبری (اسفند ۱۳۸۹ تا مهر ۱۳۹۳).

۱. امام جماعت مسجد جلیلی (اواخر ۱۳۴۰ تا بهمن ۱۳۵۷)

آیت‌الله مهدوی کنی، پس از ۱۲ سال حضور در شهر مقدس قم و استفاده از محضر اساتید مختلف حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۳۹، به تهران باز می‌گردد. در آن دوره، می‌توان روحانیت را در نسبت سنجی ایشان با مبارزات علیه رژیم پهلوی به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول، روحانیونی بودند که نه تنها مبارزه نمی‌کردند بلکه بر سر راه مبارزان، سنگ اندازی نیز می‌کردند که به تعبیر مشهور آن روز، روحانیون درباری نام گرفته بودند؛ دسته دوم، روحانیونی بودند که اگرچه مبارزه نمی‌کردند؛ اما مبارزان را مورد حمله قرار نمی‌دادند و به تعبیری، معتقد به تباین عرصه سیاست و دیانت بوده و برای حفظ عرصه دین، از ورود به عرصه سیاست که آن را پلید می‌دانستند، احتراز داشتند. دسته سوم، روحانیونی بودند که مبارزه می‌کردند ولی مشی جداگانه‌ای از امام داشتند. در این دسته آیت‌الله قمی در مشهد را می‌توان نام برد؛ و درنهایت دسته چهارم، روحانیونی هستند که اهل مبارزه در چهارچوب مدنظر امام خمینی (ره) بودند و خود این دسته چهارم، به دو طیف تقسیم می‌شدند: عده‌ای که در جهت مبارزه فعال بودند؛ مانند آقایان طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، مهدوی کنی، سعیدی، غفاری و غیره. عده‌ای نیز غلبه فعالیت‌های ایشان، در عرصه فکری و فرهنگی بود؛ مانند شهیدان مطهری، بهشتی، باهنر و مفتاح (طالبی دارابی، ۱۳۷۸: ۲۵ و ۲۶).

عمده فعالیت سیاسی و مبارزاتی روحانیانی که اسامی ایشان در دسته بندی چهارم آمد، در بستر مسجدی انجام می‌گرفت که امام جماعت آن مسجد بودند؛ برای مثال، آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت، آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد هدایت مشهد و آیت‌الله

مهدوی کنی در مسجد جلیلی. در واقع مساجد، مهم‌ترین جایی بود که روحانیون می‌توانستند با استفاده از آن، پیام و رسالت سیاسی اجتماعی دین را به گوش عموم مردم برسانند و بدین وسیله، آگاهی مردم را نسبت به اوضاع جامعه، افزایش دهند. مساجد، محلی برای اجتماع مؤمنین بود و دین‌باوران به مناسبت‌های مختلف دینی و به‌ویژه برای ادای فرایض، در آن حضور می‌یافتند و همین، به روحانیون این امکان را می‌داد تا از این طریق، در ارتباط با توده مردم قرار گیرند. روحانیت انقلابی، در کنار ادای فرایض دینی در مساجد، مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را نیز به مردم گوشزد می‌کرد و مبانی نظریه سیاسی اسلام را تبیین می‌نمود و وظایف و تکالیف مردم در قبال مسائل سیاسی اجتماعی روز کشور را یادآور می‌شد و لذا دیری نپایید که مساجد در جایگاه یک پایگاه مناسب برای فعالیت‌های گسترده سیاسی اجتماعی و فرهنگی درآمد و عمده فعالیت انقلابیون، از جمله تهیه و توزیع بیانیه‌های امام خمینی (علیه‌السلام)، در بستر شبکه مساجد انجام می‌گرفت (قدسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۹ و ۱۰).

بازگشت آیت‌الله مهدوی کنی به تهران در سال ۱۳۳۹، آغازی شد بر مبارزات سیاسی ایشان در شهر تهران که هم مرکزیت بیشتری در عرصه مبارزه نسبت به شهر قم دارد و هم طیف‌های مختلف مبارزاتی - از گروهک‌های چپ یا احزاب ملی مذهبی راست - در آن حضور فعال دارند. ایشان با توصیه آیت‌الله سرخه‌ای، تقریباً از اواخر سال ۱۳۴۰، به عنوان امام جماعت مسجد جلیلی، شروع به کار کردند (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۷۵). مسجد جلیلی، از جمله مساجدی بود که پیشینه تاریخی در تهران نداشت و مسجد نوساخته‌ای به حساب می‌آمد. موقعیت جغرافیایی این مسجد، واقع در میدان فردوسی تهران بود که در آن زمان، جزو مناطق بالاشهر تهران به حساب می‌آمد و یکی از سکونتگاه‌های اقلیت‌های مذهبی همچون مسیحیت، یهودیان و زرتشتی‌ها بود؛ علاوه بر این، تعداد زیادی از بهاییان نیز ساکن این محله بودند. همچنین به‌طور کلی، یک منطقه تجاری به حساب می‌آمد که همین باعث می‌شد، در شروع کار مسجد، عمده مسجدی‌ها را همین بازاری‌های حوالی میدان فردوسی تشکیل دهند (قدسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۱).

با آغاز فعالیت آیت‌الله مهدوی کنی در این مسجد، به تدریج، جمعیت مسجد نیز

بیشتر شد. از جمله عوامل پویایی این مسجد، فعالیت‌های توأمان سیاسی، فرهنگی، آموزشی و امدادی آیت‌الله مهدوی کنی بود. عمده فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی در این مسجد، با محوریت سخنرانی‌های خود ایشان و همچنین سخنران‌های انقلابی که ایشان برای مراسم مختلف دعوت می‌کرد، شکل می‌گرفت: «من مقید بودم و هر منبری که می‌رفتم و هر خطبه‌ای که می‌خواندم بعد از آن می‌گفتم: امشب می‌خواهم دو مسئله از فتوای آیت‌الله العظمی خمینی (ره) را برای شما بگویم. حتی آن جایی که در فتاوی، اختلافی نبود، برای اینکه اسم ایشان را بیاورم، می‌گفتم که ایشان در رساله این‌طور مرقوم فرموده‌اند؛ بنابراین ساواک من را چندین بار خواست که تو چرا اسم ایشان را عنوان می‌کنی؟ نباید اسم ایشان را بیاوری. زیاد که فشار آوردند بنده می‌گفتم: (آقا فرمودند). باز همان بار آخری که بنده را در ماه رمضان احضار کردند، به من گفتند: تو چرا آقا می‌گویی؟ گفتم: من اسم کسی را نمی‌گویم. گفتند: مخاطبین می‌دانند تو چه کسی را می‌گویی. سپس چندی می‌گفتم که حضرت استاد چنین فرموده‌اند. برای آخرین بار سرهنگ ساواک به من گفت: آشیخ! اگر از این کارت دست برداری می‌بریمت آنجا که عرب نی بیندازد؛ ولی من باز ماه رمضان، هر روز بین دو نماز هنگام مسئله گفتن، حضرت استاد را تکرار می‌کردم» (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

البته مسجد جلیلی در کنار فعالیت‌های سیاسی، پایگاهی بود برای نشان دادن یک الگوی تراز از مسجد اسلامی و امام جماعتی داشت که فعالیت‌های سیاسی، او را از ادای وظایفی که به عنوان یک روحانی و امام جماعت مسجد، نسبت به شئون مختلف فرهنگی، آموزشی، و حتی اقتصادی نمازگزاران داشت، غافل نمی‌کرد؛ راه‌اندازی صندوق کمک به مستمندان به صورت آبرومندان، تهیه جهیزیه برای نوعروسان نیازمند، برگزاری جلسات تدریس اقتصاد اسلامی جهت جلوگیری از افتادن جوانان در دام مارکسیست‌ها، و برگزاری جلسات جشن و اعیاد مذهبی، گوشه‌های فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و امدادی آیت‌الله مهدوی کنی در نقش امام جماعتی مسجد جلیلی است (قدسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۱ تا ۸۵).

حضور آیت‌الله مهدوی کنی در قامت امام جماعت مسجد جلیلی، تا ماه رمضان

سال ۱۳۵۴ هجری شمسی ادامه می‌یابد و حسب نقل ایشان، بعد از دعای پایان مراسم شب قدر که برای آزادی امام خمینی (علیه‌السلام) دعا می‌کنند، توسط عوامل رژیم پهلوی دستگیر شده و به شهر بوکان که در جنوب استان آذربایجان غربی قرار دارد، تبعید می‌شوند؛ البته این تبعید نیز دیری نمی‌پایید و در نهایت ایشان، بعد از گذشت دو یا سه ماه از تبعید، دستگیر شده و به زندان کمیته مشترک در تهران منتقل می‌شوند (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

۲. عضو شورای انقلاب (آبان ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۹)

اندیشه تشکیل شورای انقلاب، از زمانی که زنگ پیروزی انقلاب اسلامی به صدا درآمد، در ذهن و اندیشه و رهبران نهضت، به‌ویژه امام خمینی (علیه‌السلام)، شکل گرفت. ایشان به خوبی می‌دانستند که اداره امور انقلاب تا موفقیت نهایی و همچنین فردای پیروزی انقلاب، بستر هرج و مرج‌ها و آشفتگی‌هاست و لذا در گرماگرم حوادث انقلاب و حدود سه‌ماهه به پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب، به فرمان امام و با هدف کنترل و مدیریت اوضاع، با حضور چهره‌های شاخص و برجسته مورد اعتماد رهبر انقلاب، تشکیل شد: «دو موضوع مهم قبل از انقلاب مورد بحث قرار می‌گرفت؛ یکی تشکیل حزب و دیگری شورای انقلاب که تقریباً سه ماه قبل از انقلاب به دستور امام تشکیل گردید. مسئله تشکیل شورای انقلاب در آن زمان چیز بسیار هراسناکی بود؛ البته خطرناک هم بود که در آن زمان تعدادی از روحانی و غیرروحانی به‌عنوان شورای انقلاب، یعنی انقلاب علیه دستگاه، جمع بشوند و به‌منظور تأسیس دولت انقلاب، تشکیلاتی درست کنند. همان‌گونه که اشاره شد در آن زمان مرحوم شهید مطهری بیشتر از همه در ارتباط با امام بودند. بعد هم جناب آقای بهشتی بودند که افراد را به امام پیشنهاد می‌دادند و ایشان هم اگر می‌پذیرفتند، بعد به آن‌ها اعلام می‌کردند و موافقت آن‌ها را می‌گرفتند. یادم می‌آید که آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی، بنده، آیت‌الله خامنه‌ای، آقای هاشمی و آقای باهنر باهم بودیم» (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

این شورا که اداره مبارزات انقلابی را با موافقت و دستور رهبری انقلاب بر عهده داشت، در آغاز فعالیت، هفته‌ای یک بار و سپس دوبار به صورت مخفی در منازل اعضا تشکیل

جلسه می‌داد و تصمیمات آن در زمینه چگونگی تظاهرات اعتصاب‌ها راهپیمایی‌ها و در مواردی پس از تأیید امام به اجرا درمی‌آمد؛ البته جمع‌آوری پول از مؤمنین برای رسیدگی به وضعیت اعتصاب‌کنندگان و تأمین مالی نیروهای انقلابی و حتی رفع نیازهای مالی مردم مستأصل و نیازهای مبارزاتی در فرانسه از جمله کارهای دیگر این شورا بود. امام برای هیچ‌یک از اعضای شورا حکمی صادر نکردند و به خاطر مسائل امنیتی، نام اعضا و محل تشکیل جلسه‌های شورای انقلاب، سری بود و به همین دلیل و تا زمان پیروزی انقلاب و حتی تا مدتی بعد از پیروزی، از ضبط و ثبت مذاکرات جلسه‌های شورای انقلاب خودداری شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۵) که البته همین موضوع، موجب ضعف سندی در حوزه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع شورای انقلاب نیز شده است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، نه تنها از فعالیت‌های شورای انقلاب کاسته نشد، بلکه به اقتضای شرایط انقلاب، به تنهایی در مقام قوه مقننه، به قانون‌گذاری در امورات مختلف کشور مشغول شد و حتی در بازه‌ای، اعضای شورای انقلاب، به کمک وزرای دولت موقت رفته و بعد از استعفای اعضای دولت موقت در پی تسخیر سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸، قوه اداره و اجرا نیز رسماً به دست اعضای شورای انقلاب افتاد و این امر تاروی کار آمدن دولت اول جمهوری اسلامی بعد از انتخابات ریاست جمهوری، ادامه داشت. همچنین شورای انقلاب، نسبت به طراحی و تأسیس نهادهای نوپای انقلابی نیز نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا کرد و لذا می‌توان این‌گونه گفت که شورای انقلاب در دوران نقش‌آفرینی خود بعد از پیروزی انقلاب، هم‌زمان سه کارکرد قانون‌گذاری، اجرایی و تأسیسی را برای انقلاب نوپای ایران به منصفه ظهور رسانده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹ و ۱۵۰).

در نهایت، همان‌گونه که امام خمینی (ره) در پیام ابتدایی خود به مناسبت تأسیس شورای انقلاب بیان فرموده بودند، این شورا، نهادی موقتی و پاسخی به نیاز سیاسی و انقلابی جامعه آن روز ایران بود و لذا طبیعی بود که با روی کار آمدن نهادهای قانونی کشور مانند ریاست جمهوری، هیئت دولت و برپایی مجلس شورای ملی اول، کارکردها و وظایف مختص شورای انقلاب، رفته‌رفته، گرفته شود (سائلی کرده ده، ۱۳۸۴: ۶۹)؛ بنابراین با انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان و رسمیت یافتن جلسات مجلس شورای